

حکم ورود و توقف معذورین

در مزارات معصومین علیهم‌السلام

رضا عندلیبی*

چکیده

یکی از مهم‌ترین مباحث زیارت، بررسی مسائل فقهی مربوط به آن است که این مقاله به فرع «حکم ورود و توقف معذورین در مزارات معصومین علیهم‌السلام» پرداخته و در سه مبحث جداگانه، آن را واکاوی کرده است: مبحث اول، اصل الحاق مزارات معصومین علیهم‌السلام به مساجد است، که به نظر می‌رسد تردیدی در آن وجود ندارد؛ مبحث دوم، بحث موضوعی مسئله است؛ یعنی مکانی که به مسجد ملحق می‌شود، کدام قسمت از حرم است، که با بررسی ادله روشن می‌شود حرمت توقف در حرم معصومین علیهم‌السلام یا ورود به آنها تنها شامل رواق اطراف ضرایح مطهر و مضاعج شریف است؛ مبحث سوم نیز به حکم مسئله اختصاص دارد که بررسی ادله نشان می‌دهد ورود معذورین به اطراف ضرایح مطهر معصومین علیهم‌السلام مطلقاً حرام است؛ هرچند این ورود به نحو عبوری باشد.

واژگان کلیدی: حکم، معذورین، زیارتگاه، ورود، توقف

*. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، دانش آموخته سطح چهار و مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت، r.andalibi@hzrc.ac.ir

مقدمه

مسئله ورود معذورین (جنب، حیض و نفساء) به حرم معصومین علیهم السلام و توقف آنان در این اماکن مقدس، از مسائل مهم مرتبط با بحث زیارت و زیارتگاه‌هاست که موضوع بررسی تفصیلی فقها قرار گرفته است. یکی از احکام مساجد، حرمت ورود معذورین به برخی مساجد، و توقف آنان در همه مساجد است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۴؛ یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱) و از آداب زیارت، این است که زائر، طهارت ظاهری و باطنی داشته باشد که البته این طهارت، به جز در مورد طهارت از حدث اکبر، وجوب فقهی ندارد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که اگر کسی به سبب جنابت، حیض یا نفاس، غسل بر عهده دارد، آیا می‌تواند در حرم معصومین علیهم السلام حضور یابد؟ یا اینکه حرمت توقف معذورین در مساجد، در مورد حرم ائمه اطهار علیهم السلام نیز وجود دارد؟ در این مقاله ابتدا باید اصل حکم الحاق مشاهد مشرفه به مساجد بررسی شود؛ سپس مصداق حرم در این مسئله مشخص شود؛ یعنی معلوم شود که آیا فقط اطراف ضریح را حرم می‌گویند یا رواق‌ها نیز تحت این عنوان قرار دارند؟ و در نهایت مقدار جریان حکم معلوم شود؛ یعنی مشخص شود که آیا حرم در حکم مسجدالحرام و مسجدالنبی است تا حتی عبور معذور از آن نیز حرام باشد یا در حکم مساجد معمولی است تا تنها توقف در آن برای معذور حرام باشد؟ بنابراین اصل ثبوت حکم در یک مبحث، اختلاف موضوعی مسئله در مبحث دیگر، و اختلاف حکمی مسئله در مبحث سوم مطرح می‌شود.

مبحث اول: اصل ثبوت حکم الحاق مشاهد مشرفه به مساجد

اقوال فقها

به گزارش شهید اول، شیخ مفید در العزیه، و ابن جنید، مشاهد مشرفه ائمه علیهم السلام را به مساجد ملحق کرده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۷۸؛ همو، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۰۲). خود شهید اول (همو، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۷۸) و همچنین شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۲۳) این نظریه



را پسندیده‌اند. محقق بحرانی نیز این نظریه را پذیرفته و ادله‌ای برای اثبات آن نقل کرده است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۴). صاحب جواهر هم با پذیرش این نظریه، آن را به برخی از معاصران خود نیز نسبت داده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۲). محقق همدانی (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۸)، مرحوم بیارجمندی (بیارجمندی، بی تا، ج ۳، ص ۲۵۳) و میرزا هاشم آملی (آملی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۱۹) نیز در مقام فتوا، فی الجمله این حکم را پذیرفته و احتیاط را در همین نظریه دانسته‌اند.

مشهور معاصران نیز در اصل الحاق مشاهد مشرفه به مساجد تردیدی ندارند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱). اما در مقابل، برخی دیگر از فقها بر دلالت ادله حرمت ورود معذورین به مشاهد مشرفه یا توقفشان در آنجا اشکال می‌گیرند و در این مسئله توقف می‌کنند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۴؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۸؛ میرزا محمد تقی آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۴، ص ۱۴۴) یا برای مخالفت نکردن با مشهور، صراحتاً به عدم الحاق مشاهد به مساجد فتوا نمی‌دهند (خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۴).

ادله فقها

پیش از بیان ادله، لازم است به این نکته اشاره کنیم که قائلان به عدم حرمت، نیازمند اقامه دلیل نیستند و اصول لفظیه (اصل جواز ورود افراد به اماکن مختلف) و عملیه (اصل براءت) موافق آنان است؛ اما قائلان به حرمت، باید برای اثبات ادعای خود دلیل اقامه کنند.

برای اثبات الحاق مشاهد مشرفه به مساجد و در نتیجه، حرمت ورود یا توقف معذورین در حرم معصومین: به ادله ذیل تمسک شده است:

دلیل اول: وجود احترام مسجد برای حرم

در مورد حرمت توقف معذورین در مساجد، هیچ اختلافی میان فقها وجود ندارد. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۴). از طرفی حرم معصومین علیهم‌السلام در حکم مساجد است و بلکه حرمت آن، بیش از مساجد معرفی شده است. پس این حکم در مورد حرم معصومین: نیز جریان دارد.

برای اثبات این مدعا، تقاریب متعددی ممکن است:

تقریب اول: استناد به آیه

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ (نور: ۳۶ - ۳۷)

در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود، در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند * مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد، و از روزی که در آن، دل‌ها و دیده‌ها زیر و رو می‌شود، می‌هراسند.

حرم معصومین علیهم‌السلام از اماکنی است که مشمول این آیات شریفه است و طبق این آیات، خداوند متعال اجازه داده در این اماکن مقدس، او را یاد کنند. بنابراین حرم اهل بیت علیهم‌السلام حقیقتاً مسجد است و احکام مسجد را دارد. (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۵۵۸ - ۵۵۹).

تقریب دوم: شرافت حرم بالاتر از مسجد

مسجد بودن در مورد حرم معصومین: صدق می‌کند؛ بلکه این مشاهد مشرفه، به دلیل شرافت مدفونین در آن، از مساجد با فضیلت‌ترند (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۷۸؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۲۳). همچنین ثواب‌هایی که برای نماز در حرم معصومین: ذکر شده، بسیار بالاتر از ثواب نماز در مساجد است؛ برای نمونه بر اساس روایات، نماز در حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام با ثواب دو هزار نماز در اماکن معمولی، برابر است،^۱ درحالی‌که نماز در مسجد کوفه، که از نظر فضیلت سومین مسجد است، تنها هزار برابر ثواب دارد (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰؛ شعیری، بی‌تا، ص ۷۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۵۸).

۱. در منابع حدیثی روایتی با این مضمون یافت نشد؛ ولی در منابع فقهی آمده است. (ر.ک: آملی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۱۷؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۵۵۸).

بنابراین وقتی توقف معذورین در مساجد حرام باشد، به طریق اولی توقف آنان در حرم معصومین علیهم السلام حرام خواهد بود.

تقریب سوم: اشتراک حرم و مسجد در برخی احکام

برخی از حرم‌های اهل بیت علیهم السلام در برخی احکام با مساجد مشترک‌اند؛ مثل تخییر مسافر در حائر حسینی علیه السلام.

اشکال همه تقاریب

مسجد در شرع، تعریف خاصی دارد و احکام بر همان عنوان مسجد بار می‌شود؛ نه بر معنای مسجدیت. پس شرافت مکان و افضلیت نماز در برخی حرم‌ها و مشترک بودن برخی احکام مسجد و حرم امام حسین علیه السلام، دلیل نمی‌شود که حرم نیز احکام مسجد را داشته باشد؛ چراکه این سرایت حکم، قیاس است (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۳؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۸؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۰).

دلیل دوم: روایات

مهم‌ترین دلیل حرمت ورود معذورین به مشاهد مشرفه، روایات است. در این روایات متعدد که به دلیل استفاضه، از بررسی سند آنها بی‌نیازیم، ائمه علیهم السلام از حضور معذورین در محضر انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام منع کرده‌اند. درست است که این حکم در مورد زمان حیات ائمه علیهم السلام است، اما برای امام معصوم علیه السلام، حیات و ممات تفاوتی ندارد (بقره: ۱۵۴؛ آل عمران: ۱۶۹) و خطابات موجود در زیارتنامه‌های مأثور نیز مؤید این مدعاست (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۹۶؛ ابن المشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۹، ۵۵۵؛ کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۷۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵؛ شیخ عباس قمی، ۱۳۸۴ش، ص ۵۵۱) و با توجه به روایات، حرمت زمان حیات مؤمنان و در رأس آنان ائمه علیهم السلام، برای پس از وفات آنان نیز ثابت است. افزون بر اینکه، با توجه به سیاق روایات، حرمت ورود به منازل ائمه علیهم السلام به دلیل حفظ

احترام ایشان است. در این صورت بین حیات و ممات آنها فرقی نیست و دیگر به اثبات وحدت حکم هم نیازی نداریم. در این روایات دقت کنید:

یک - صحیحہٴ بکر بن محمد

عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: خَرَجْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ نُرِيدُ مَنْزِلَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَحِقْنَا أَبُو بصيرٍ خَارِجاً مِنْ رُقَاتٍ وَهُوَ جُنُبٌ وَنَحْنُ لَا نَعْلَمُ حَتَّى دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى أَبِي بصيرٍ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَمَا تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِحُجُبٍ أَنْ يَدْخُلَ بُيُوتَ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ فَرَجَعَ أَبُو بصيرٍ وَدَخَلْنَا (حمیری، ۱۳۴۱ق، ص ۴۳؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۱۱).

بکر بن محمد می گوید: از شهر خارج شدیم و می خواستیم به منزل امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ برویم. در راه و در میان کوچه، ابوبصیر به ما رسید. او جنب بود، ولی ما نمی دانستیم؛ تا اینکه به محضر امام عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیدیم. حضرت سرش را به سمت ابوبصیر گرفت و فرمود: «یا ابامحمد، آیا نمی دانی که شایسته نیست جنب وارد منزل انبیا شود». ابوبصیر برگشت و ما وارد منزل شدیم.

تقریب استدلال

در این روایت، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ ابوبصیر را، به دلیل قصد ورود به منزل امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ با حالت جنابت، سرزنش می کند و ابوبصیر نیز از سخن امام عَلَيْهِ السَّلَامُ، حرمت برداشت می کند و برمی گردد و وارد منزل امام عَلَيْهِ السَّلَامُ نمی شود. پس مشخص می شود ورود معذورین به منزل امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ، حرام است.

اشکال

در این روایت، لفظ «لاینبغی» آمده است که ظهور در کراهت دارد. پس نمی توان با استناد به این روایت، حرمت ورود را ثابت کرد (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۶).

۱. سند روایت صحیح است؛ هرچند ممکن است کسی در اصل انتساب کتاب بصائر موجود، تردید کند. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ فِي بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ يَعْنِي عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الصَّلْتِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ.

جواب

اولاً لفظ «لاینبغی» در کراحت صراحت ندارد و با توجه به بقیه روایات، می‌توان از این ظهور دست برداشت. افزون بر اینکه چون در این روایت، ابوبصیر برای علم‌آموزی به محضر امام علیه السلام مشرف شده بود، امام علیه السلام از این تعبیر استفاده کرد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۳).

ثانیاً اصل اینکه واژه «لاینبغی» در کراحت ظهور داشته باشد، مورد اختلاف است. البته بیشتر فقها آن را می‌پذیرند (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۶۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۲۴۹؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۶)؛ اما در مقابل، برخی نیز «ینبغی» را ظاهر در وجوب و «لاینبغی» را ظاهر در حرمت دانسته (خویی ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۲ و ج ۹، ص ۳۴۷؛ همو، ۱۴۱۸ق، ب، ج ۶، ص ۲۲۵) و برخی دیگر نیز معتقدند این واژگان در روایات و فتاوا، مجمل است و با توجه به قرائن، در وجوب یا استحباب و حرمت یا کراحت، ظهور خواهند داشت (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۶۰؛ بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۰۹).

دو- مرسلهٔ بکیر

عَنْ بَكْرِ قَالَ لَقِيتُ أَبَا بَصِيرٍ الْمُرَادِيَّ قُلْتُ أَبِنَ تَرِيدُ قَالَ أُرِيدُ مَوْلَاكَ، قُلْتُ إِنِّي أَنَبِعُكَ، فَمَضَى مَعِي فَدَخَلْنَا عَلَيْهِ، وَأَحَدَ النَّظَرِ إِلَيْهِ وَقَالَ هَكَذَا تَدْخُلُ بِيُوتَ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنْتَ جُنُبٌ! قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَعَظْبِكَ، فَقَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَلَا أَعُوذُ (کشی، ۱۳۹۰ق، ص ۱۷۰).

بکیر می‌گوید: ابوبصیر مرادی را ملاقات کردم. پرسیدم: «کجا می‌روی؟» گفت: «می‌خواهم نزد مولایت بروم». گفتم: «من هم با تو می‌آیم». با هم رفتیم و به محضر حضرت رسیدیم. حضرت نگاه تندی به ابوبصیر کرد و فرمود: «این‌گونه وارد منازل پیامبران می‌شوی؟ با حال جنابت؟» ابوبصیر گفت: «به خدا پناه می‌برم از خشم خدا و خشم و غضب شما». سپس گفت: «استغفار می‌کنم و دیگر تکرار نمی‌کنم».

۱. با توجه به اینکه عنوان «رجل» در سلسله روایت سند وارد شده، روایت مرسله به شمار می‌رود: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمُكَفَّوفِ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ بَكْرِ.

تقریب استدلال

در این روایت، امام علیه السلام از آمدن ابوبصیر با حالت جنابت نزد خود عصبانی می‌شود و نگاه تندی به وی می‌کند و ابوبصیر می‌گوید: «به خدا پناه می‌برم از غضب و عصبانیت شما». غضب امام علیه السلام بهترین دلیل بر حرمت این فعل است.

اشکال

اولاً شاید غضب امام علیه السلام به دلیل کراهت فعل و منافات داشتن آن با مقام و منزلت شخصیتی مثل ابوبصیر بوده باشد که نباید چنین کاری که با ادب منافات دارد از وی سر می‌زد (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۷).

ثانیاً از اینکه ابوبصیر از محضر امام علیه السلام خارج نشد و تنها گفت: «دیگر این کار را تکرار نمی‌کنم»، مشخص می‌شود از بیان امام علیه السلام حرمت ورود یا توقف را برداشت نکرده است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۸).

جواب

اولاً غضب امام و غضب الهی و نگاه تند امام علیه السلام برای کاری مکروه، خلاف ظاهر است و استغفار از کار مکروه، معنایی ندارد؛

ثانیاً این روایت در مورد خروج ابوبصیر از منزل امام علیه السلام ساکت است و با توجه به روایات دیگر که همین مضمون در آنها نقل شده، مشخص می‌شود ابوبصیر از منزل امام علیه السلام خارج شده است.

سه - مرسله اول^۱ ابوبصیر

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ وَكَانَتْ مَعِيَ جُورِيَّةٌ لِي فَأَصَبْتُ مِنْهَا ثُمَّ خَرَجْتُ إِلَى الْحَرَامِ فَلَقَيْتُ أَصْحَابَنَا الشَّيْعَةَ وَهُمْ مُتَوَجِّهُونَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام - فَخَفْتُ أَنْ يَسْبِقُونِي وَيَقُوتَنِي الدُّخُولَ إِلَيْهِ فَمَشَيْتُ مَعَهُمْ حَتَّى دَخَلْتُ الدَّارَ فَلَمَّا مَثَلْتُ بَيْنَ يَدَيْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام

۱. مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النَّعْمَانِ الْمِفِيدِ فِي الْإِرْشَادِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ.

نَظَرَ إِلَيَّ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بَيُوتَ الْأَنْبِيَاءِ وَأَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَدْخُلُهَا الْجُنُبُ
فَأَسْتَحْيِيْتُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي لَقَيْتُ أَصْحَابَنَا فَخَشِيتُ أَنْ يَمُوتَنِي الدُّخُولُ
مَعَهُمْ وَلَنْ أَعُودَ إِلَيَّ مِثْلَهَا وَخَرَجْتُ (شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۸۵؛ حر عاملی،
۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۱۱).

ابوبصیر روایت می کند که من به مدینه رفتم و کنیز کی همراه من بود. پس من با او
نزدیکی کردم و سپس از خانه بیرون رفتم که [برای غسل جنابت] به حمام روم. در
کوچه به دوستان شیعه برخوردیم که نزد امام صادق علیه السلام می رفتند. ترسیدم اینان بر من
پیشی بگیرند و دیگر من نتوانم نزد آن حضرت شرفیاب شوم. [با همان حال جنابت]
همراه ایشان رفتم تا وارد خانه آن حضرت شدم. چون برابر آن حضرت قرار گرفتم، به
من نگاه کرده، سپس فرمود: «ای ابابصیر، آیا ندانسته ای که در خانه پیغمبران و فرزندان
پیغمبران شخص جنب داخل نمی شود؟» من از آن حضرت شرم کرده، عرض کردم:
«ای فرزند رسول خدا، من دوستان خود را دیدار کردم و ترسیدم دیگر توفیق دیدار شما را
پیدا نکنم، و از این پس هرگز چنین کاری نخواهم کرد» و بی درنگ از نزد آن حضرت
بیرون آمدم.

تقریب استدلال

عبارت «لایدخلها جنب» در این روایت، جمله خبریه در مقام انشاست و بی هیچ مشکلی،
ظهور در حرمت دارد و خروج ابوبصیر از مجلس پس از شنیدن حکم از امام علیه السلام، خود
قرینه ای است بر اینکه ابوبصیر از فرمایش امام علیه السلام حرمت را برداشت کرده است.

چهار - مرسله دوم ابوبصیر

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَأَنَا أَرِيدُ أَنْ يُعْطِيَنِي مِنْ دَلَالَةِ الْإِمَامَةِ مِثْلَ
مَا أُعْطِيَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فَلَمَّا دَخَلْتُ وَكُنْتُ جُنُبًا قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا كَانَ لَكَ فِيهَا كُنْتُ فِيهِ
شُغْلٌ تَدْخُلُ عَلَيَّ وَأَنْتَ جُنُبٌ فَقُلْتُ مَا عَمَلْتَهُ إِلَّا عَمَدًا قَالَ أَوْ لَمْ تَتُومِنْ قُلْتُ بَلَى وَلَكِنْ

۱. عَلِيُّ بْنُ عِيسَى فِي كَنْفِ الْعَمَّةِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ الدَّلَائِلِ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيِّ.

لِطَمَّيْنِ قَلْبِي فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ قُمْ فَاغْتَسِلْ فَقُمْتُ وَاغْتَسَلْتُ وَصَرْتُ إِلَى مَجْلِسِي وَقُلْتُ
عِنْدَ ذَلِكَ إِنَّهُ إِمَامٌ (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۸۸؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۳۴؛
حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۱۲).

ابوبصیر می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و خواستم که به من چیزی از دلالت
امامت، مثل آنچه امام باقر علیه السلام اعطا می فرمود، عنایت فرماید. وقتی با حالت جنابت نزد وی
رفتم، فرمود: «یا ابامحمد، نباید چنین کاری می کردی. تو درحالی که جنب هستی پیش من
می آیی؟!» گفتم: «من عمداً این کار را انجام دادم». فرمود: «مرا باور نداری؟!» گفتم: «باور
دارم؛ ولی می خواهم دلم مطمئن شود». فرمود: «ای ابامحمد، برخیز و غسل کن». من برخاستم
و غسل کردم و آمدم و به جای خود نشستم و آن وقت گفتم: «او بی شک امام است».

تقریب استدلال

در این روایت، ابوبصیر برای اطمینان از امامت امام صادق علیه السلام، عمداً با حالت جنابت وارد
منزل امام علیه السلام می شود. امام علیه السلام به وی امر می کند که غسل کند. پس مشخص می شود ورود با
حالت جنابت نزد امام علیه السلام جایز نیست.

اشکال

اولاً با توجه به روایات دیگر، مشخص می شود این قضیه در مورد ابوبصیر دوبار اتفاق
افتاده است که بعید نیست نهی امام علیه السلام، در کراهت ظهور داشته باشد و اگر بیشتر هم رخ داده
باشد، ظهور در کراهت تقویت می شود؛ زیرا اگر ابوبصیر مرتبه اول، از نهی امام علیه السلام حرمت را
می فهمید، قطعاً دوباره این کار را تکرار نمی کرد؛ مخصوصاً که این بار عمل مزبور را هم برای
اطمینان از امامت آن حضرت علیه السلام انجام داد که اگر این عمل حرام می بود، به گونه دیگری
امام علیه السلام را امتحان می کرد (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۶).

ثانیاً اگر این کار حرام می بود، امام علیه السلام باید علاوه بر امر به غسل، به توبه هم امر می فرمود
(همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۶).

ثالثاً در این روایت امام علیه السلام در مقام اعجاز، به حالت جنابت او اشاره می‌کند و به هیچ وجه در مقام بیان حکم شرعی نیست (خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۲).

جواب

اولاً با دقت در روایت مشخص می‌شود قضیه امتحان امام علیه السلام در اوایل امامت امام صادق علیه السلام بوده و ابوبصیر بار اولی بوده که با چنین وضعیتی به محضر امام علیه السلام می‌رسیده است. پس این احتمال که حکم را نمی‌دانسته، وجود دارد؛

ثانیاً اینکه امام علیه السلام امر به توبه نفرموده، دلیل نمی‌شود که روایت را بر کراهت حمل کنیم؛ زیرا اگر کسی از روی جهل به مسئله کار حرامی انجام دهد، نیازی به توبه ندارد؛

ثالثاً اگر امام علیه السلام تنها در مقام اعجاز می‌بود، اشاره به حالت جنابت ابوبصیر کافی بود و نیازی نبود به وی امر کند که برخیز و غسل کن. خود همین امر، بیان حکم شرعی است.

پنج - روایت^۱ جابر

عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: أَقْبَلَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَمَّا صَارَ قُرْبَ الْمَدِينَةِ خَضَخَصَّ وَدَخَلَ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام وَهُوَ جُنُبٌ فَقَالَ لَهُ يَا أَعْرَابِيٌّ أَمَا تَسْتَحْيِي تَدْخُلُ إِلَى إِمَامِكَ وَأَنْتَ جُنُبٌ أَنْتُمْ مَعَاشِرَ الْعَرَبِ إِذَا خَلَوْتُمْ خَضَخَصْتُمْ فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ قَدْ بَلَغْتُ حَاجَتِي فِيمَا جِئْتُ لَهُ فَخَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ فَاعْتَسَلَ وَرَجَعَ إِلَيْهِ فَسَأَلَهُ عَمَّا كَانَ فِي قَلْبِهِ (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۴۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۹۳).

جابر جعفی از امام سجاد علیه السلام روایت می‌کند: عربی بادیه‌نشین به مدینه آمد و چون نزدیک مدینه رسید، استمنا کرد و با همان حال جنابت به محضر امام حسین علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «ای اعرابی، آیا حیا نمی‌کنی که با حال جنابت بر امامت وارد می‌شوی؟ شما عرب‌ها وقتی به خلوت می‌روید، استمنا می‌کنید». اعرابی گفت: «به

۱. سَعِيدُ بْنُ هَبَةَ اللَّهِ الرَّائِدِيُّ فِي الْخَرَائِجِ وَ الْجَرَائِحِ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ.

مقصودی که برایش آمده بودم، رسیدم». به همین دلیل از محضر امام خارج شد و غسل کرد و برگشت و سؤالش را پرسید.

تقریب استدلال

ظاهراً اعرابی عمداً و برای امتحان امام حسین علیه السلام با حالت جنابت به محضر ایشان رسید. امام او را به سبب ورود با حالت جنابت به محضر امام خود، به شدت ملامت می‌کند. پس مشخص می‌شود ورود به محضر امام معصوم علیه السلام با این حالت حرام است.

اشکال

این روایت در مورد جنابت از حرام (استمنا) است و نمی‌توان با استناد به آن، مطلق ورود معذورین را حرام دانست (خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۴).

اشکالات همه روایات

اشکال اول

قطعاً بسیاری از خدمتگزاران، خانواده و دوستان معصومین علیهم السلام در منزل ایشان می‌مانند و حالت حیض یا جنابت بر آنان عارض می‌شود؛ ولی هیچ وقت ائمه علیهم السلام آنان را به خروج از آنجا یا مبادرت به غسل امر نمی‌کردند و اگر چنین بود، قطعاً بین خدمتگزاران و دوستان پخش می‌شد و امثال ابوبصیر با این حالت به محضر حضرات معصومین علیهم السلام مشرف نمی‌شدند (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۶).

جواب

این نقض، تنها در مورد کسانی که به محضر ائمه علیهم السلام شرفیاب می‌شدند وارد است؛ اما نمی‌توان به اینکه امام علیه السلام خانواده و خدمتگزارانی را که در خانه حضرت بوده و محتلم یا حیض شده‌اند، به خروج امر نکرده‌اند، استناد کرد؛ زیرا این روایات تنها شامل کسانی

است که به منزل امام علیه السلام وارد می شدند و کسانی را که داخل منزل بودند، شامل نمی شود (خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۳)؛ به عبارت دیگر نمی توان به عدم خروج خانواده و خدمتگزاران امام علیه السلام استناد کرد؛ زیرا ادب و احترام، امری عرفی است و ممکن است یک عمل، وقتی از خانواده شخص سربرزند، بی احترامی به او شمرده نشود؛ اما سرزدن همین عمل از دیگران، توهین به شمار آید (آملی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۱۸).

اشکال دوم

همه روایات مطرح شده، در مورد جنب است و شما می خواهید با استناد به این روایات و با توجه به اشتراک معذورین در اغلب احکام، در این مسئله نیز حکم را برای همه معذورین از جمله حائض و نفساء ثابت کنید که این قیاس است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۳).

جواب

اگر ملاک حکم، همان حفظ احترام است، بین جنب و حائض در این امر فرقی نیست و اگر ملاک، مشخص نیست، وجهی برای سرایت حکم ورود جنب از منازل ائمه علیهم السلام به مرقدهای آنان نیست. پس یا باید هیچ یک را نپذیرید و یا باید همه را بپذیرید (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۸).

اشکال سوم

در میان این روایات، آنهایی که دلالتشان تام است، مشکل سندی دارند و تنها روایتی که صحیح است (روایت اول: صحیح بکر بن محمد)، دلالتی بر حرمت ندارد؛ زیرا در این صحیح هم، با توجه به روایات مشابه که ظاهراً همگی بیانگر یک واقعه اند، راوی در مقام امتحان امام علیه السلام بوده است و امام علیه السلام نیز در مقام اعجاز، به حالت جنابت او اشاره کرده و به هیچ وجه در مقام بیان حکم شرعی نبوده است. بنابراین هر چند به نظر ما «لاینبغی» بر معنایی

دلالت دارد که می‌توان از آن حرمت را استفاده کرد، اما با توجه به قرینه مزبور در این روایت خاص، «لاینبغی» نهایتاً بر کراهت دلالت می‌کند (خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۲).

جواب

اگرچه تنها روایت صحیح‌السند، همین روایت است، استفاضه روایات، ایجاب می‌کند به روایت‌های دیگر نیز توجه کنیم. با توجه به روایات، مشخص می‌شود ورود با حالت جنابت برای ابوبصیر قطعاً بیش از یک بار بوده و نمی‌توان بر اساس قضیه امتحان امام علیه السلام، که در روایات دیگر آمده، از ظهور این روایت دست برداشت و بر خلاف مبنای خود مستشکل، که «لاینبغی» را ظاهر در حرمت می‌داند، این عبارت را بر کراهت حمل کرد.

اشکال چهارم

سرایت حکم از منازل اهل بیت: به حرم‌های ایشان که عرفاً به آن بیت و منزل اطلاق نمی‌شود، قیاس است؛ مگر آنکه وحدت ملاک حکم اثبات شود که اثبات آن، اول کلام است (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۷)؛ به عبارت واضح‌تر با توجه به روایت اول (صحیح بکر ابن محمد) و روایت سوم (روایت اول ابوبصیر) مشخص می‌شود آنچه حرام است، ورود معذورین به خانه انبیا و فرزندان آنان (ائمه اطهار علیهم السلام) است و عنوان «خانه امام» ظهور در جایی دارد که به صورت بالفعل، به اضافه ظرفیه، به امام علیه السلام منتسب باشد و قطعاً اضافه ملکیه مراد نیست؛ زیرا اگر همین خانه‌ای که ملک امام علیه السلام است، در اجاره کسی باشد، به طور قطع حکم بر آن بار نمی‌شود. پس این خانه از آن جهت که اکنون ظرف وجود مقدس امام علیه السلام است، چنین حکمی دارد.

از طرف دیگر هر چند تفاوتی بین حیات و ممات امام علیه السلام نیست، از آنجا که حکم، روی عنوان بیت و منزل امام علیه السلام رفته است، ظاهراً حرم‌های مطهر را شامل نمی‌شود؛ زیرا این مشاهد مشرفه، ظرف وجود مقدس ائمه: نیستند؛ بلکه ظرف و مکان زیارت آنان می‌باشند؛

به عبارت دیگر حرم در واقع بیت امام علیه السلام نیست و تنها بیتی است که قبر امام علیه السلام در آن واقع شده است (خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۳ - ۳۲۴).

جواب

اگر مقصود از اشکال مزبور این باشد که اثر، تنها برای ارواح مطهر معصومین علیهم السلام است که در بهشت جای دارند و در نتیجه، احترام نیز برای روح است و نه بدن، سخن کاملاً اشتباهی است؛ زیرا قطعاً ارتباط بین جسم و روح پس از مرگ نیز باقی است و به همین دلیل دشمنان امام حسین علیه السلام برای توهین هایی که به ابدان مطهر شهدا کردند، مستحق بدترین لعن و نفرین ها هستند (آملی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۱۹) و در معارف شیعی چنین امری پذیرفته نیست که تفصیل آن در جای خود آمده است. اما اگر مقصود این است که عرفاً به حرم امام علیه السلام، منزل امام علیه السلام اطلاق نمی شود و حکم روی منزل امام علیه السلام رفته، این سخن قابل تأمل است و باید به عرف مراجعه کرد که البته بعید نیست با توجه به مسامحه عرفی، بتوان به «حرم الامام» هم «بیت الامام» اطلاق کرد.

بنابراین با توجه به تمامیت دلالت برخی روایات، می توان با استناد به آنها، حرمت ورود یا توقف معذورین به حرم های معصومین علیهم السلام را ثابت کرد.

دلیل سوم: ترک توقف معذور مصداق تعظیم

تقریب استدلال

حکم به جایز نبودن ورود یا توقف معذورین در مشاهد مشرفه، از مصادیق تعظیم و بزرگداشت معصوم مدفون در آن حرم (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۲)، یا مصداق تعظیم شعائر است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۴؛ خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۱).

اشکال

تعظیم شعائر از مستحبات است و دلیلی بر وجوب تعظیم به این نحو نداریم (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۸؛ خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۱)؛ به عبارت دیگر تعظیم تنها در صورتی واجب است که ترک آن مصداق توهین باشد و اینکه ورود یا توقف معذور توهین به شمار آید، ادعایی بی دلیل است؛ به ویژه اگر ورود معذور به مشاهد مشرفه با غرضی صحیح باشد؛ مثلاً وقت برای غسل، تنگ است و شخص برای تعظیم وارد حرم می شود. در اینجا هم ورود به قصد تعظیم است و هم عدم ورود به قصد تعظیم، و منافاتی هم در بین نیست؛ زیرا یک فعل می تواند به ملاحظه حالات، نیت، زمان ها و مکان های مختلف، به عنوان «تعظیم» متصف شود (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۴).

جواب

از آنجا که عرف، حالت جنابت و امثال آن را حراست و پستی در بدن یا روح می داند و ورود با این حالت را، به هر نیتی که باشد، احترام محسوب نمی کند، بلکه آن را بی احترامی می داند، می توان ادعا کرد که ترک ورود با حالت جنابت، تعظیم است؛ مثلاً عرف، پا زدن به قرآن را بی احترامی می داند؛ ولو شخص بگوید: «من قصد احترام دارم». پس هر چند تعظیم و توهین از امور قصديه است، عرف مصادیق آن را مشخص می کند (آملی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۱۸). البته با این بیان، این دلیل با دلیل بعدی تفاوتی نخواهد داشت و اشکال مطرح شده بر آن، بر این دلیل نیز وارد خواهد بود.

دلیل چهارم: توقف معذور مصداق هتک حرمت

مشرعه ورود جنب و حائض را به مشاهد مشرفه، مصداق هتک حرمت می داند و اهانت و هتک حرمت از امور اعتباری است و تشخیص آن با عرف است. پس اگرچه عرف زمان معصومین علیهم السلام ورود معذور به منزل ائمه علیهم السلام را، در زمان حیات آنان، هتک حرمت نداند، عرف

امروزی ورود معذورین به حرم اهل بیت علیهم السلام را بی‌احترامی به محضر آنان می‌داند و در حرمت عملی که عرفاً بی‌احترامی به شمار آید، تردیدی نیست (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۸).

اشکال

بحث ما اثبات حرمت ورود یا توقفی است که عرفاً هتک حرمت به شمار نمی‌رود و شخص نیز از انجام دادن آن قصد توهین و بی‌احترامی ندارد؛ چراکه در حرمت اموری که عرفاً هتک حرمت محسوب شود، تردیدی وجود ندارد. بنابراین دلیل مزبور، اثبات کننده مدعا نخواهد بود.

دلیل پنجم: سیره

سیره متشرعه بر ترک این عمل است (آملی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۱۹) که نشان می‌دهد ائمه اطهار علیهم السلام آن را تأیید کرده‌اند.

اشکال

اینکه همه متشرعه یک عمل را ترک کنند، برفرض ثبوت آن، نشانه حرمت آن فعل نیست و شاید متشرعه از باب حفظ ادب، این گونه عمل می‌کردند (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۴، ص ۱۴۴). افزون بر اینکه چون حالات باطنی افراد (جنابت و عدم جنابت) قابل تشخیص نیست، اصل وجود سیره، محل تأمل است.

بنابراین با توجه به تمامیت برخی ادله، به ویژه روایات مطرح شده، می‌توان ادعا کرد تردیدی وجود ندارد که مشاهد مشرفه معصومین علیهم السلام، در این حکم، به مساجد ملحق می‌شوند.

مبحث دوم: اختلاف موضوعی مسئله

پس از آنکه در مبحث قبل ثابت شد که مشاهد مشرفه به مساجد ملحق‌اند، حال باید دید مراد از مشاهد مشرفه چیست؟ آیا تنها رواق اطراف ضریح مشمول حکم است یا رواق‌ها و شبستان‌های حرم مطهر معصومان علیهم السلام نیز دارای چنین حکمی است؟

اقوال فقها

محقق اردبیلی کل صحن‌ها را نیز در حکم مساجد دانسته (به نقل از: آملی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۱۸) و مرحوم نائینی، بنا بر احتیاط، رواق‌ها را در حکم مساجد معمولی و اطراف ضریح را در حکم مسجدالحرام و مسجدالنبی دانسته است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱).

از میان متأخران و معاصران، مشهور فقها همچون آیات عظام صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۳)، میرزا محمدتقی آملی (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۴، ص ۱۴۴)، محقق سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۷)، خویی (خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۴)، خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ص ۸۶، سیستانی (سیستانی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸، ۵۳)، زنجانی (زنجانی، ۱۴۳۰ق، ص ۷۸، ۹۷)، مکارم (مکارم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۳، ۸۴) و صافی (صافی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۱، ۴۳) حکم را مختص به اطراف ضریح مطهر دانسته‌اند.

ولی برخی دیگر، همچون آیات عظام امام خمینی (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸)، فاضل (یزدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۵؛ فاضل، ۱۴۲۶ق، ص ۵۸)، گلپایگانی (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۸، ۳۹، ۵۱)، تبریزی (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۱۲)، بهجت (بهجت، ۱۴۲۸ق، ص ۷۳) و نوری همدانی (نوری، بی‌تا، ص ۲۰، ۳۳) در مورد رواق‌های اطراف، احتیاط واجب را در ترک ورود یا توقف دانسته‌اند.

ادله فقها

برای روشن شدن حکم مسئله باید به دلیلی که حکم را اثبات می‌کند، مراجعه کرد. اگر این دلیل، روایات باشد، از آنجا که حکم حرمت در روایات روی بیت امام علیه السلام رفته است، قطعاً رواق‌های حرم، بیت امام علیه السلام محسوب نمی‌شود؛ بلکه بیت تنها جایی است که قبر مطهر امام علیه السلام را در بر گرفته است (خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۴). پس حرمت توقف یا ورود در حرم معصومان علیهم السلام تنها شامل رواق اطراف ضرایح مطهر است. اما اگر ملاک حرمت را

و جوب تعظیم یا حرمت هتک بدانیم، باید به عرف مراجعه کرد. عرف، کل حرم، یعنی اطراف ضریح و رواق‌ها و شبستان‌های اطراف را مشمول حکم می‌داند و ورود به این اماکن را نیز هتک حرمت می‌داند. البته واضح است که تنها شبستان‌های اطراف عرفاً مشمول حکم است؛ وگرنه قطعاً عرف، صحنی را که چند صد متر با مضجع شریف امام علیه السلام فاصله دارد، مشمول و جوب تعظیم یا حرمت هتک نمی‌داند.

با توجه به اینکه دلیل اثبات کننده حکم، روایات بود، ظاهراً حکم تنها شامل اطراف ضریح است و شبستان‌ها و رواق‌های اطراف حرم، مشمول حکم نمی‌شود.

مبحث سوم: اختلاف حکمی مسئله

پس از آنکه در مبحث گذشته، موضوع حرم مشخص شد، باید حکم الحاق نیز مشخص شود. همان‌طور که در فقه ثابت شده است، در مسئله ورود و توقف معذورین در مسجد، مساجد به دو قسم تقسیم می‌شوند: قسم اول مسجدالحرام و مسجدالنبی، که ورود و توقف و حتی مرور از آنها بر معذورین حرام است؛ قسم دوم مساجد دیگر که تنها توقف معذورین در آنها حرمت دارد (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱). در این مسئله میان فقها اختلافی وجود ندارد (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۴).

حال سؤال این است که حرم امامان معصوم علیهم السلام حکم مسجدالحرام و مسجدالنبی را دارند، تا ورود معذورین از یک در و خروجشان از در دیگر نیز حرام باشد، یا در حکم مساجد معمولی‌اند و تنها توقف در آنها حرام است؟

اقوال فقها

مرحوم صاحب عروه، ضمن بحث از آنچه بر جنب حرام است، ورود و توقف در مساجد را مطرح می‌کند و سپس می‌فرماید: «والمشاهد كالمساجد في حرمة المكث فيها» (یزدی، ۱۴۱۹ق،

ج ۱، ص ۴۸۱). مشهور فقهای معاصر از جمله آیات عظام امام خمینی (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸)، اراکی (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۱۲)، فاضل لنکرانی (یزدی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۵)، تبریزی (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۱۲)، سیستانی (سیستانی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸، ۵۳)، مکارم شیرازی (یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۲۳) و نوری همدانی (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۱۲) نیز همچون صاحب عروه - البته بنا بر احتیاط - حرم معصومین علیهم السلام را در حکم مساجد معمولی دانسته‌اند و به همین دلیل با تأکید بر حرمت توقف در حرم، ورود از یک در و خروج از در دیگر حرم را جایز دانسته‌اند.

اما برخی دیگر از فقها همچون صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۴)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۲)، محقق نائینی (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱)، خوبی (خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۴) و زنجانی (زنجانی، ۱۴۳۰ق، ص ۷۸، ۹۷)، حرم معصومین علیهم السلام را در حکم مسجد الحرام و مسجد النبی دانسته و معتقدند عبور معذور از حرم امامان علیهم السلام حرام است؛ اگرچه از یک در داخل، و از در دیگر خارج شود.^۱

ادله فقها

پس از آنکه ادله اصل حکم را به تفصیل بررسی کردیم، دیگر نیازی به تکرار ادله در این بحث نیست. ظاهر ادله مطرح شده، به ویژه روایات، این است که ورود معذورین، ولو بدون توقف باشد، حرام است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۲)؛ زیرا با دقت در ادله، مشخص می‌شود که اطلاق دارند و در مبغوضیت ورود با حالت جنابت و امثال آن، تفاوتی بین عبور و توقف وجود ندارد (خویی، ۱۴۱۸ق، الف، ج ۶، ص ۳۲۴). بنابراین مشاهد مشرفه معصومین علیهم السلام در حکم مسجد الحرام و مسجد النبی اند و عبور از آنها نیز در حالت عذر، حرام است.

۱. آیات عظام گلپایگانی و صافی این حکم را بنا بر احتیاط دانسته‌اند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۱؛ امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۱۲).

نتیجه

در این مقاله حکم ورود و توقف معذورین (جنب، حیض، نفساء و...) در حرم معصومین علیهم السلام در ضمن سه مبحث جداگانه مطرح شد: مبحث نخست به اصل الحاق مزارات معصومین علیهم السلام به مساجد مربوط بود که مشخص شد با توجه به تمامیت برخی ادله، به ویژه روایات، می توان ادعا کرد تردیدی وجود ندارد که مشاهد مشرفه معصومان علیهم السلام، در این حکم، به مساجد ملحق می شوند؛

مبحث دوم، مربوط به مکانی بود که به مسجد ملحق می شود. در این مبحث گفتیم از آنجا که دلیل اصلی مثبت حکم، روایات است، قطعاً رواق های حرم، بیت امام علیه السلام محسوب نمی شود. پس حرمت توقف یا ورود در حرم معصومین: تنها شامل رواق اطراف ضرایح مطهر است؛

در مبحث سوم نیز بررسی ادله نشان داد که ورود معذورین به اطراف ضرایح مطهر معصومین علیهم السلام مطلقاً حرام است؛ هرچند این ورود به نحو عبوری باشد. والله العالم.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. آملی، محمدتقی (۱۳۸۰ق). مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران، نشر مؤلف.
۲. آملی، میرزا هاشم (۱۴۰۶ق). المعالم المأثورة، نشر مؤلف.
۳. ابن المشهدی (۱۴۱۹ق). المزار الكبير، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). كشف الغمة فی معرفة الاثمة، تبریز، نشر بنی هاشمی.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الاذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. اشتهاودی، علی پناه (۱۴۱۷ق). مدارک العروة، تهران، دار الأسوة للطباعة و النشر.

۷. امام خمینی، سید روح الله (بی تا). **تحریر الوسيلة**، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۸. امام خمینی، سید روح الله (۱۴۲۴ق). **توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. بهبهانی، محمد بن باقر (۱۴۱۹ق). **الحاشیة علی مدارک الاحکام**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ق). **رساله توضیح المسائل**، قم، انتشارات شفق، چاپ نود و دوم.
۱۲. حائری بیارجمندی، یوسف (بی تا). **مدارک العروة**، مطبعة النعمان، نجف اشرف، چاپ اول.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعة**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۴. حکیم طباطبایی، سیدمحسن (۱۴۱۶ق). **مستمسک العروة الوثقی**، قم، مؤسسه دار التفسیر.
۱۵. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). **قرب الإسناد**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۶. خامنه ای، سیدعلی (۱۴۲۴ق). **اجوبة الاستفتائات**، قم، دفتر معظم له.
۱۷. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق). **الف، موسوعة الامام الخوئی**، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ اول.
۱۸. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق). **ب، فقه الشیعة**، قم، مؤسسه آفاق، چاپ سوم.
۱۹. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق). **الخرائج و الجرائح**، قم، مؤسسه الامام المهدي علیه السلام.
۲۰. سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). **مهدب الاحکام**، قم، مؤسسه المنار، دفتر معظم له.
۲۱. سیستانی حسینی، سیدعلی (۱۴۲۲ق). **المسائل الممتخبة**، قم، دفتر آیت الله سیستانی.
۲۲. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۳۰ق). **رساله توضیح المسائل**، قم، انتشارات سلسبیل.
۲۳. شعیری، محمد بن محمد (بی تا). **جامع الاخبار**، نجف اشرف، مطبعة حیدریة.
۲۴. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). **الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ق). **ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۶. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). **المزار (فی کیفیة زیارات النبی و الائمة الاطهار)**، قم، مدرسة الامام المهدي علیه السلام.

۲۷. شهيد ثانی، زين الدين بن علی (۱۴۰۲ق). روض الجنان فی شرح إرشاد الازهان، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي.
۲۸. شهيد ثانی، زين الدين بن علی (۱۴۱۳ق). مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه.
۲۹. شيخ انصاری، مرتضى بن محمد (۱۴۱۵ق). كتاب الصلاة، قم، كنگره بزرگداشت شيخ اعظم انصاری.
۳۰. شيخ صدوق، محمد بن علی بن بابويه قمی (۱۴۰۶ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، دارالشريف الرضی، چاپ دوم.
۳۱. شيخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، بيروت، مؤسسه فقه الشيعه.
۳۲. شيخ مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، كنگره جهانی هزاره شيخ مفيد، چاپ اول.
۳۳. شيخ مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). كتاب المزار - مناسك المزار، قم، كنگره جهانی هزاره شيخ مفيد.
۳۴. صافی، لطف الله (۱۴۱۶ق). هداية العباد، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ اول.
۳۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مكتبة آية الله المرعشی النجفی.
۳۶. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۶ق). رساله توضیح المسائل، قم، بينا، چاپ صد و چهاردهم.
۳۷. قمی، شيخ عباس (۱۳۸۴ش). مفاتيح الجنان، آداب زیارت، مشهد، شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، چاپ یازدهم.
۳۸. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
۳۹. کشی، ابوعمرو (۱۳۹۰ق). رجال الکشی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۴۰. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق). المصباح (جنة الأمان الواقية)، قم، دارالرضی (زاهدی)، چاپ دوم.
۴۱. گلپایگانی، سیدمحمد رضا (۱۴۱۳ق). هداية العباد، قم، دارالقرآن الکریم.

۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). استفتائات جدید، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم.
۴۳. نجفی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۴۴. همدانی، آقارضا (۱۴۱۶ق). مصباح الفقیه، قم، مؤسسه الجعفریة لإحیاء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول.
۴۵. یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۹ق) العروة الوثقی (المحشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۶. یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۸ق). العروة الوثقی مع التعليقات، شارحان: امام خمینی، سیدابوالقاسم خویی، سیدمحمدرضا گلپایگانی، ناصر مکارم شیرازی، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۷. یزدی، سیدمحمدکاظم (بی تا). العروة الوثقی مع تعليقات الفاضل، شارح: محمدفاضل موحدی لنکرانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.